

آخوند خراسانی و مبارزه در راه احقاق حق مردم

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ ساعت ۱۶:۴۴

وی حتی در جریان استبداد صغیر تصمیم گرفت به همراه چند تن از علمای دیگر به ایران سفر کند؛ اما بعد از شنیدن خبر فتح تهران و برکناری محمدعلی شاه از این سفر منصرف گردید.

آخوند خراسانی یکی از شخصیت‌های بزرگ مذهبی و سیاسی دوره قاجار می‌باشد که به دلیل نقش سیاسی و مبارزاتی خود در جریان انقلاب مشروطه به چهره‌ای مهم و جاودانه در تاریخ سیاسی ایران تبدیل گشت. وی در کنار سایر روحانیون مجاهد، به طرق مختلف به حمایت از جنبش مشروطه ایران پرداخت و تأثیر مهمی بر مسیر این جنبش ایفا نمود. این شخصیت بزرگ مذهبی در کنار فعالیتهای سیاسی، فعالیت‌هایی در زمینه اجتماعی نیز داشت که بر مبنای این توضیحات، به بررسی ابعاد زندگی سیاسی و مذهبی این شخصیت بزرگ پرداخته میشود.

آخوند خراسانی کیست؟

ملا محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی، در سال ۱۲۵۵ ه. ق در خراسان متولد شد. البته پدرش ملاحسین هروی، از مهاجرین هرات به مشهد بود. ملا محمد تحصیلات ابتدایی را نزد پدر روحانی خود و نیز سایر علمای دینی همچون حاج ملاهادی سبزواری و ملا حسین به خوبی آموخت، سپس در ۲۲ سالگی جهت ادامه تحصیل راهی نجف گردید. در آنجا از حوزه علمی افرادی چون حاج میرزا محمد حسن شیرازی، ملقب به میرزای شیرازی بهره برد. زندگی آخوند خراسانی در این شهر، تنها به فراگیری علوم دینی معطوف نبود، بلکه بخش مهمی از زندگی وی به فعالیتهای سیاسی و به خصوص حمایت از جنبش مشروطه گذشت.

آخوند خراسانی و فعالیتهای سیاسی

با آغاز نهضت مشروطه، آخوند خراسانی به دلیل آنکه در نجف به سر میبرد نتوانست چندان با این جنبش آشنا و یا همراه باشد؛ اما با اوج گرفتن فعالیت مشروطه خواهان به خصوص در زمان مظفرالدین شاه به حمایت از مشروطه طلبان پرداخت. وی در آن برهه، با اظهار ناراضیتی شدید از عملکرد صدراعظم مظفرالدین شاه، میرزا علی اصغر خان امینالسلطان، او را مسبب اصلی همه مفسد و مسلط کردن اجانب بر کشور دانسته و تکفیر نمود.^۱ مواضع آخوند خراسانی تا زمانی که در قید حیات بود در حمایت از مشروطه ادامه یافت. بعد از پیروزی مشروطه و آغاز دوران استبداد صغیر، مواضع وی تندتر و پرننگتر نیز گردید. در این شرایط مواضع روحانیون نسبت به مشروطه به دو شکل متفاوت نمایان شد. گروهی از روحانیون چون شیخ فضل‌الله نوری بنا به دلایل خاص خود به مخالفت با جنبش مشروطه پرداختند و گروهی نیز با حمایت از این جنبش، در برابر استبداد محمدعلی شاه مقاومت

نمودند. این مرافعه به نجف نیز کشانده شد و سه مرجع تقلید این شهر یعنی، آخوند خراسانی، مازندرانی و حاج میرزا حسین تهرانی جانب مجلس و مشروطه را گرفتند (که به آیات ثلاث مشروطه معروف گشتند). آنان مخالفت با مجلس و مشروطه را مخالفت با شرع انور و مجادله با صاحب شریعت اعلام نمودند.^۲

البته اختلاف خراسانی و فضلالله نوری به معنی دشمنی این دو با یکدیگر نبود، بلکه به اختلاف سلیقه و دیدگاههای متفاوت آنها در زمینه مسائل سیاسی باز میگشت. چنانچه گفته میشود آخوند خراسانی در حمایت از نوری، تلگرافی را مبنی بر حفظ حریم او میفرستد؛ اما این تلگراف بعد از به دار آویخته شدن شیخ، آشکار میگردد. به طور کلی بیانیه علمای نجف و به خصوص آخوند خراسانی که از نفوذ و اعتبار بالایی در میان مردم برخوردار بود تأثیر مهمی بر روند بسیاری از مسائل داشت، به خصوص اینکه در آن زمان ایرانیان زیادی در نجف بودند و همین موضوع بر همراهی آنان با مشروطه نیز بسیار تأثیرگذار بود. در واقع به گفته کسروی «آخوند خراسانی و حاجی شیخ مازندرانی و حاجی تهرانی مردانگی کرده و از دستگاه خود چشم پوشیدند و در بند خشنودی یا ناخشنودی مردم نمیبودند و در چنین هنگامی نیز از پشتیبانی مجلس بازنمیایستادند.»^۳ آخوند خراسانی، درصدد بود با مبارزات خود بر سر مشروطه «به عموم ملت بفهمانند که غرض ما از این همه زحمت، ترفیه حال رعیت و رفع ظلم از آنان و اعانه مظلوم و اجرای احکام الهیه عز اسمه و حفظ بلاد اسلام از چپاول کفار و امر به معروف و نهی از منکر و غیرها از قوانین اسلامی بوده است.»^۴ بنابراین یکی از وجوه مبارزات آخوند خراسانی، استقلال سیاسی کشور از بیگانگان بود. اما دانستن این نکته نیز جالب توجه است که آخوند خراسانی در مسیر مبارزات خود به دنبال تحقق آرمانهایی چون گسترش و رشد تولیدات داخلی نیز بود. چنانچه با شکلگیری نهضتی به نام تحریم کالاهای خارجی، شرکتهایی با هدف تولید داخلی شکل گرفت که شرکت اسلامی «از جمله این شرکتهاست که در اصفهان در سال ۱۳۱۶ با همکاری خاندان میرزا محمدباقر اصفهانی (به ویژه حاج آقا نورالله) تاسیس شد. گفته میشود آخوند خراسانی نیز به همراه عالمان بزرگ دیگر (همچون سید محمدکاظم یزدی) به تأیید و پشتیبانی این شرکت همت می گمارند.»^۵

آخوند خراسانی در طی مبارزات سیاسی خود همواره و طی تلگرافهای متعدد تلاش نمود تا با دعوت تمام ایرانیان به مبارزه با استبداد قاجار، در برابر مفسد و یکه تازیهای پادشاهان مستبد مقاومت نماید. وی حتی در جریان استبداد صغیر تصمیم گرفت به همراه چند تن از علمای دیگر به ایران سفر کند؛ اما بعد از شنیدن خبر فتح تهران و برکناری محمدعلی شاه از این سفر منصرف گردید.

فعالتهای علمی و اجتماعی آخوند خراسانی

عملکرد و مبارزه سیاسی وی یعنی شرکت در مبارزات سیاسی نیز منزله تأیید مشارکت و حضور علمای دینی در مسائل سیاسی است. آخوند خراسانی در زمینه اجتماعی نیز فعالیتهای گستردهای داشت و مدارسی را در نجف بنا نمود. همچنین در طول تدریس خود، به تربیت شاگردان زیادی همت گماشت که شیخ محمدحسن غروی اصفهانی، شیخ علی زاهد قمی، میرزا محمد حسین نائینی و چندتن از علمای برجسته از شاگردان او هستند. آخوند خراسانی سرانجام بعد از عمری مجاهدت دینی و سیاسی، در روز سه شنبه ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۹ قمری برابر ۲۱ آذر ماه سال ۱۲۹۰ ش در سن ۷۴ سالگی و در نجف دیده از جهان فروبست. البته بسیاری مرگ وی را مشکوک دانسته و معتقدند که وی توسط ایادی روس مسموم و کشته شد.

آخوند خراسانی در طول حیات خود با پیگیری حوادث مهم ایران آن دوره یعنی جریان مشروطه توانست تا حدود زیادی بر جریان مشروطه تأثیرگذار باشد. وی علیرغم آنکه در ایران حضور نداشته اما با ارسال تلگرافهای متعدد، ضمن بیان مواضع خود نسبت به مشروطه، مردم ایران را نسبت به مبارزه علیه استبداد حکومت، استقلال کشور و نیز تحریم هر نوع وابستگی به خارج تشویق نمود.

فهرست منابع

۱. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲.
۲. صادق زیباکلام، سنت و مدرنیته، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۲، چاپ پنجم، ص ۳۹۹.
۳. کسروی، همان، ص ۳۸۱.
۴. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی، آگاه و نوین، ۱۳۶۲، صص ۱۹۵-۱۹۶.
۵. علیرضا جهانشاهلو، «حیات و اندیشه سیاسی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قدس سره» مجله آموزه، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48724/آخوند-خراسانی-مبارزه-حقوق-مردم>